

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه قوانین

داوری



تدوین:

گروه علمی مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

انتشارات چتر دانش

عنوان و نام پدیدآور : مجموعه قوانین داوری / تدوین گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش.

مشخصات نشر : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۱۶۴ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۳۵-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : داوری و جزا -- ایران

موضوع : Arbitration and award -- Iran

موضوع : قضاوت -- قوانین و مقررات -- ایران

موضوع : Judgment -- Law and legislation -- Iran

شناسه افزوده : موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

رده بندی کنگره : KMH۱۸۲۹

رده بندی دیویی : ۳۴۷/۵۵۰۹

شماره کتابشناسی ملی : ۵۶۸۴۱۱۰

نام کتاب : مجموعه قوانین داوری

ناشر : چتر دانش

تدوین : گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

نوبت و سال چاپ : اول - ۱۳۹۸

شمارگان : ۱۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۳۵-۰

قیمت : ۹۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

- قانون حکمیت مصوب ليله ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی ۶
- قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ ۱۲
- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام مصوب ۱۹۵۸ م نیویورک ۲۷
- قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران مصوب ۱۳۸۰ ۳۳
- قانون راجع به اجازه ارجاع به داوری و تعیین داور برای دعاوی علیه بانک‌ها در خارج از کشور به بانک مرکزی ایران مصوب ۱۳۶۰ ۳۶
- از قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ۳۷
- از قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ ۴۶
- از قانون تأسیس بازار اوراق بهادار تاریخ تصویب ۱۳۸۴ ۴۷
- از قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری تاریخ تصویب ۱۳۵۶ ۴۸
- اصل ۱۳۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ هـ ش مصوب بازنگری ۱۳۶۸ ۵۰
- قانون موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و کمیته حقوقی مشورتی آسیایی - آفریقایی راجع به ایجاد مرکز منطقه‌ای داوری در تهران ۵۲
- آیین‌نامه هزینه‌های داوری ۵۶
- آیین‌نامه حق‌الزحمه داوری مصوب ۱۳۸۰ ۶۵
- آیین داوری مرکز داوری اتاق ایران ۶۷
- آیین‌نامه داخلی مرکز داوری اتاق ایران در مورد تشکیلات و نحوه ارائه خدمات ۹۷
- آیین‌نامه داوری در بخش تعاونی ۱۰۶
- آیین‌نامه داوری مرکز داوری کانون وکلاء دادگستری مرکز ۱۱۸
- آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (آیین‌نامه هیئت داوری واگذاری سهام و مدیریت شرکت‌های دولتی) مصوب ۱۳۸۷ ۱۳۲

آیین‌نامه اجرایی تبصره ذیل ماده (۲۸) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری (هیئت‌های داورى و کارشناسى اتاق ایران) تاریخ تصویب	۱۳۵۶
۱۳۷	
کنوانسیون حل‌وفصل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذارى بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر	۱۳۸
۱۳۸	

قانون حکمیت مصوب ليله ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی^۱

ماده ۱- هرگاه در دعاوی حقوقی یکی از متداعیین محکمه صلح بدایت و تجارت از محکمه تقاضا کند قطع دعوی به طریق حکمیت انجام گیرد، محکمه طرف دیگر دعوی را به موافقت با این تقاضا تکلیف و مطابق مواد ذیل رفتار خواهد کرد؛ مشروط بر این که تقاضای حکمیت تا آخر جلسه اول محاکمه به عمل آمده و دعوی در آن محکمه بدایتاً طرح شده باشد.

ماده ۲- هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی علیه در موعد مقرر تعیین حکم ننماید محکمه از طرف ممتنع، حکم و همچنین حکم ثالث را به قرعه مطابق ماده ۴ تعیین خواهد کرد. هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف، و چنان که تا دو ماه مدعی حکم خود را معین ننماید محکمه قرار رد عرض حال^۲ را صادر خواهد نمود و این قرار قابل استیناف و تمیز نیست.

ماده ۳- محکمه در محاکمات عادی بعد از وصول اولین جواب کتبی مدعی علیه و در محاکمات اختصاری بعد از استماع جواب مدعی علیه در اولین جلسه قرار حکمیت صادر خواهد کرد ولی قبل از صدور قرار حکمیت باید به ایرادات مدعی علیه رسیدگی کرده، قرار رد یا قبول ایراد را بدهد. این قرار قابل استیناف و تمیز است.

هرگاه پس از رأی محاکم عالی یا به واسطه انقضای مدت استیناف و تمیز، قابل استماع بودن دعوی و صلاحیت محکمه و متداعیین محرز شد محکمه قرار رجوع حکمیت خواهد داد. این قرار قابل استیناف و تمیز نیست.

ماده ۴- ممکن است طرفین یک نفر را به تراضی برای حکمیت انتخاب کنند و ممکن است هر کدام یک حکم معین کرده و حکم ثالث را به تراضی تعیین نمایند. هرگاه در تعیین حکم ثالث تراضی نشود محکمه در جلسه‌ای که برای

۱- مطابق ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی ۱۳۱۸ نسخ گردیده است.

۲- عرض حال: عریضه، شکایت

تعیین حکم و تنظیم حکم‌نامه مقرر داشته با حضور متداعیین از بین عده‌ای از اتباع ایران که کمتر از سه نفر نباشد و محکمه آنها را نسبت به سنخ دعوی بصیر^۱ و خبیر^۲ بدانند حکم ثالث را به قرعه معین خواهد کرد.

تبصره- صورت اسامی اشخاصی که به قرعه گذاشته خواهد شد سه روز قبل از جلسه باید به طرفین داده شود.

ماده ۵- اشخاص ذیل نمی‌توانند حکم ثالث شوند و خود آنها نیز باید از قبول حکم امتناع نمایند مگر به تراضی طرفین:

الف- کسی که در دعوی مطروحه ذی‌نفع باشد.
ب- کسی که شخصاً یا زوجه‌اش با یکی از متداعیین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد.

ج- کسی که قیم یا کفیل یا مباشر امور یکی از متداعیین است یا یکی از متداعیین مباشر امور او است.

د- کسی که خود یا زوجه‌اش وارث یکی از متداعیین است.

ه- کسی که با یکی از متداعیین یا اشخاصی که با آنها قرابت سببی یا نسبی تا درجه سوم دارد محاکمه جنایی یا جنحه داشته یا دارد.

و- کسی که مابین او یا زوجه او یا اقربای نسبی او تا درجه سوم و یکی از متداعیین یا زوجه او یا اقربای نسبی تا درجه سوم دعوای حقوقی مطرح است.

تبصره- امتناع فوق‌الذکر و رد از طرف متداعیین باید از طرف حکم قبل از قبول حکمیت و از طرف متداعیین قبل از قرعه به عمل آید مگر این که علت رد و امتناع پس از قرعه و قبل از صدور رأی حکمیت ایجاد گردد.

ماده ۶- کسانی به وسیله قرعه می‌توانند حکم شوند که سن آنها بالغ به سی سال شمسی شده، در مقر محکمه حضور داشته و طرفین قبل از قرعه در رد آنها متفق نباشند. قضات و اعضاء پارکه نمی‌توانند در حوزه مأموریت خود قبول حکمیت نمایند مگر به تراضی طرفین.

محکومین به جنحه و جنایت و اشخاصی که به عنوان جنحه و جنایت در

۱- بصیر: خبره، آگاه، واقف

۲- خبیر: مطلع، واقف

تحت تعقیب هستند نمی‌توانند مطلقاً به حکمیت معین شوند.

ماده ۷- پس از تعیین حکم، محکمه قرارنامه حکمیت را تنظیم کرده و فوراً به امضای طرفین دعوی و منتها در ظرف سه روز به امضای حکم‌ها می‌رساند هر گاه یک یا چند نفر از حکم‌ها از قبول حکمیت استنکاف نمایند در ظرف سه روز پس از استنکاف به جای مستنکف مطابق ماده هشتم تعیین حکم خواهد شد. پس از قبول حکمیت، حکم‌ها یک نفر از بین خود معین خواهند کرد که محکمه، سوادِ اوراق و اسناد طرفین را پیش او بفرستد.

در صورتی که حکم یک نفر باشد سوادِ اوراق و اسناد پیش او فرستاده می‌شود. در قرارنامه حکمیت نکات ذیل قید می‌شود:

الف - اسم و اسم خانواده و شغل متداعیین و حکم.

ب - میزان مدعی به ترتیبی که در مواد راجع به عرض حال مقرر است.

ج - مدت حکمیت.

مدت حکمیت را که کمتر از سه و بیش از سی روز نخواهد شد محکمه معین می‌نماید و ابتدای آن از روزی است که تمام حکم‌ها کتباً حکمیت را قبول نموده‌اند. محکمه می‌تواند مدت حکمیت را به تقاضای اکثریت حکم‌ها یک مرتبه و به تراضی طرفین دعوی هر چند بار که تقاضا نمایند تجدید کند. کسی که قبول حکمیت کرد و قبل از اتمام عمل و دادن رأی بدون عذر موجه استعفاء نمود تا ده سال در هیچ قضیه نمی‌تواند حکم شود مگر به تراضی طرفین.

ماده ۸- در صورتی که یکی از حکم‌ها تا سه جلسه مداخله و مسامحه از حضور نماید یا اصلاً سه جلسه حاضر نشود به ترتیب ذیل رفتار خواهد شد:

الف - هر گاه حکم مشترک حاضر نشود دو حکم دیگر رسیدگی کرده رأی خود را در صورت توافق در ظرف پنج روز خواهند داد و الا محکمه به تقاضای یکی از متداعیین بر طبق ماده چهارم، حکم مشترک دیگری تعیین می‌نماید.

ب - در صورت عدم حضور حکم مختص یکی از متداعیین، حکم مشترک فوراً توسط محکمه کتباً تعیین حکم دیگری را از طرف، تقاضا خواهد کرد.

چنانچه از تاریخ ابلاغ تقاضای مزبور تا پنج روز حکم جدید حاضر نشود حکم مشترک و حکم مختص دیگری رسیدگی نموده رأی خواهند داد و در صورت

عدم توافق محکمه بر ماده چهارم، حکم مختص را به قرعه معین خواهد کرد. حکم‌ها در رسیدگی و حکم تابع مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت با قوانین و شرایط قرارداد حکمیت نمایند. متداعیین، اسناد و مدارک و لویح خود را به حکم‌ها داده و حکم‌ها می‌توانند از آنها توضیحات شفاهی بخواهند. در رأی حکم باید اسم و شهرت متداعیین و حکم موضوع منازعه اسناد و مدارک و دلایل رأی تصریح شود. هر گاه پس از ختم رسیدگی دو نفر از حکم‌ها در رأی توافق نموده و حکم دیگر از امضای رأی امتناع نماید سایرین امضاء نموده و این امتناع را در حکم‌ها قید می‌نمایند. حکمی که به امضای اکثریت حکم‌ها رسیده است آن اعتبار را دارد که به امضای تمام حکم‌ها رسیده باشد. محکمه‌ای که قرار حکمیت داده مطابق رأی حکم ورقه اجرائیه صادر خواهد کرد.

ماده ۹- از حکم حکم غیرمنفرد، ده روز پس از ابلاغ می‌توان تقاضای تجدید نظر کرد مگر این که در قرارداد حکمیت به تراضی این حق را اسقاط نموده باشند. هیئت تجدیدنظر تشکیل می‌شود از دو حکم مختص سابق، به انضمام سه نفر از اشخاصی که یا به تراضی یا به طریق ذیل معین می‌شوند.

محکمه از بین شش نفر از اشخاصی که نسبت به سنخ دعوا آنها را بصیر می‌داند و طرفین دعوا در رد آنها اتفاق می‌نمایند سه نفر را به قرعه معین می‌کند حکم هیئت تجدیدنظر قطعی است.

تبصره ۱- در دعاوی‌ای که مدعی به، بیش از ده هزار تومان است به جای تجدیدنظر فوق مستأنف^۱ به شرط دادن ودیعه (صدی چهار محکوم به) می‌تواند تقاضا کند که محکمه استیناف صلاحیتدار در رأی حکم‌های بدوی تجدیدنظر نماید. حکم استیناف در صورتی که رأی حکم را تأیید کند قابل تمیز نیست و این استیناف مانع از تأدیة حق الزحمه حکم‌های بدوی نخواهد بود.

۱- مستأنف: تجدیدنظرخواه، کسی که از حکم محکمه ابتدایی به دادگاه پژوهشی شکایت می‌کند.

تبصره ۲- راجع به ودیعهٔ موافق ماده ۴۹۸ قانون اصول محاکمات حقوقی رفتار خواهد شد.

ماده ۱۰- در موارد ذیل حکمیت مرفوع^۱ می‌شود:

الف - در صورت تراضی طرفین که باید کتباً به محکمه ابلاغ شود.

ب - در صورت فوت یا جنون یکی از متداعیین.

ج - اگر در حین رسیدگی کشف اوضاع و احوالی شود که مربوط به جنحه و جنایت و در حکم حکم نافذ و مؤثر بوده و تفکیک جهت حقوقی از جزایی ممکن نشود.

ماده ۱۱- حکمها مکلف هستند رأی خود را در مدت حکمیت بدهند و در صورتی که رأی حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد محکمه به تقاضای یکی از متداعیین آن را فسخ می‌نماید.

در موارد ذیل رأی حکم باطل و از درجه اعتبار ساقط است:

الف - در صورتی که حکمها خارج از حدود اختیارات خود نسبت به مطلبی موضوع حکمیت نبوده حکم داده باشند.

ب - وقتی که بر خلاف سند رسمی حکم شده باشد.

ج - وقتی که طرفین، به اتفاق، حکم حکم را رد نمایند.

ماده ۱۲- حق الزحمه هر یک نفر حکم بدوی ربع عشر^۲ مدعی به است که طرفین دعوی بالسویه خواهند داد مگر این که حکم در رأی خود تقسیم را بین متداعیین به طریق دیگر قرار بدهد. حق الزحمه حکمهای مشترک که برای تجدید نظر تعیین می‌شوند سه ربع عشر مدعی به است که فقط کسی که تقاضای تجدید نظر کرده است خواهد پرداخت. حق الزحمه پس از رسیدگی و قطعی شدن رأی در صورت تقاضای تجدیدنظر پرداخته می‌شود و محکمه مربوطه، مسئول وصول و ایصال^۳ آن خواهد بود.

تبصره - مخارج عدلیه بیش از آنچه در وقت تقدیم عرض حال داده می‌شود

۱- مرفوع شدن: از بین رفتن، نابود شدن

۲- عشر: یک دهم

۳- ایصال: رساندن، ملحق کردن، وصل کردن

نخواهد بود و در صورت اقدامات اجرایی، حق اجراء دو عشر عشریه است.

ماده ۱۳- در صورت تراضی طرفین در هر مرحله از مراحل دعوی می‌توان به حکمیت رجوع کرد و در این صورت حُکْمِ حَکَمِ قابل تجدیدنظر نخواهد بود.

ماده ۱۴- هر گاه در محکمه انتظامی معلوم شد که معرفی محکمه اشخاص را به جهت حُکْمِ مشترک کلاً یا بعضاً طبیعی نبوده بلکه مستقیم یا غیرمستقیم مبنی بر تبانی و مذاکرات سابقه بوده، حاکم محکمه محکوم به انفصال ابدی خواهد شد.

ماده ۱۵- نسبت به دعاوی حقوقی که فعلاً در مراحل بدوی مطرح است هر گاه یکی از متداعیین در جلسه اول بعد از تصویب این قانون تقاضای حکمیت نماید بر طبق این قانون رفتار خواهد شد.

ماده ۱۶- مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات حقوقی ملغی است.

ماده ۱۷- این قانون پس از تصویب به موقع اجراء گذاشته شده و وزارت عدلیه مأمور اجرای آن است.

[امضاء]

این قانون که مشتمل بر هفده ماده است در جلسه لیلۀ بیست و نهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و شش شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا

قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶

فصل اول: مقررات عمومی

ماده ۱- تعاریف و قواعد تفسیر

تعریف اصطلاحاتی که در این قانون به کار رفته است به قرار ذیل می‌باشد:
الف- «داوری» عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به‌وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی‌الطرفین و یا انتصابی.

ب- داوری بین‌المللی عبارتست از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد.

ج- «موافقتنامه داوری» توافقی است بین طرفین که به‌موجب آن تمام یا بعضی از اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیرقراردادی به وجود آمده یا ممکن است پیش آید، به داوری ارجاع می‌شود. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در قرارداد و یا به‌صورت قرارداد جداگانه باشد.

د- «داور» اعم از داور واحد و یا هیئت داوران است.

ه- منظور از «دادگاه» در این قانون یکی از دادگاه‌های تشکیلات قضایی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

و- در هر موردی که در این قانون به توافق موجود بین طرفین یا توافقی که بعد حاصل شود اشاره شده باشد، مراتب مشمول مقررات داوری مصرحه در آن توافق نیز خواهد بود.

ماده ۲- قلمرو اجرا

۱- داوری اختلافات در روابط تجاری بین‌المللی اعم از خریدوفروش کالا و خدمات، حمل‌ونقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره‌ای، سرمایه‌گذاری، همکاری‌های فنی، نمایندگی، حق‌العمل کاری، پیمانکاری و فعالیت‌های مشابه مطابق مقررات این قانون صورت خواهد پذیرفت.

۲- کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند داوری اختلافات

تجاری بین‌المللی خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله که باشد با تراضی، طبق مقررات این قانون به داوری ارجاع کنند.

ماده ۳- ابلاغ اوراق و اخطاریه‌ها

در صورتی که بین طرفین راجع به نحوه و مرجع ابلاغ اوراق مربوط به داوری توافقی صورت نگرفته باشد، به یکی از طرق ذیل عمل خواهد شد:
الف- در داوری سازمانی، نحوه و مرجع ابلاغ مطابق مقررات سازمان مزبور خواهد بود.

ب- داوری می‌تواند رأساً نحوه و مرجع ابلاغ را مشخص کند و بر اساس آن اوراق داوری را برای طرفین ارسال دارد.

ج- متقاضی داوری می‌تواند درخواست ارجاع امر به داوری را از طریق نامه سفارشی دو قبضه، پیام تصویری، تلکس و تلگرام و اظهارنامه و نظایر آن برای طرف دیگر ارسال دارد، درخواست مزبور وقتی ابلاغ شده محسوب می‌شود که:

۱- وصول آن به مخاطب محرز باشد.

۲- مخاطب بر طبق مفاد درخواست اقدامی کرده باشد.

۳- مخاطب نفیاً یا اثباتاً پاسخ مقتضی داده باشد.

ماده ۴- شروع جریان داوری

الف- داوری از زمانی شروع می‌شود که درخواست داوری بر اساس مفاد ماده (۳) این قانون به خواننده داوری ابلاغ شده باشد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ب- جز در مواردی که ترتیب دیگری بین طرفین مقرر شده باشد، درخواست داوری باید حاوی نکات ذیل باشد:

۱- درخواست ارجاع اختلاف به داوری.

۲- نام و نشانی طرفین.

۳- بیان ادعا و خواسته آن.

۴- شرط داوری و یا موافقتنامه داوری.

درخواست داوری ممکن است حاوی اطلاعاتی در مورد تعداد داوران و

چگونگی انتخاب آنان به شرح مذکور در فصل سوم این قانون و همچنین راجع به موافقتنامه‌ها، قراردادهای و یا وقایعی که موجب بروز اختلاف شده است، باشد.

ماده ۵- انصراف از حق ایراد

در صورتی که هریک از طرفین با علم به عدم رعایت مقررات غیرآمره این قانون و یا شرایط قابل عدول موافقتنامه داوری، داوری را ادامه دهد و ایراد خود را فوراً و یا در مهلتی که به این منظور تعیین شده است، اقامه نکند، چنین تلقی خواهد شد که از حق ایراد صرف‌نظر کرده است.

ماده ۶- مرجع نظارتی

۱- انجام وظایف مندرج در ماده (۹)، بندهای (۳) و (۴) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱۳)، بند (۱) ماده (۱۴)، بند (۳) ماده (۱۶)، ماده (۳۳) و ماده (۳۵) به عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقر داوری در آن قرار دارد، و تا زمانی که مقر داوری مشخص نشده، به عهده دادگاه عمومی تهران است.

تصمیمات دادگاه در این موارد قطعی و غیرقابل اعتراض است.

۲- در داوری‌های سازمانی انجام وظایف مندرج در بندهای (۲) و (۳) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱۳) و بند (۱) ماده (۱۴) به عهده سازمان داوری مربوط است.

فصل دوم: موافقتنامه داوری

ماده ۷- شکل موافقتنامه داوری

موافقتنامه داوری باید طی سندی به امضای طرفین رسیده باشد، یا مبادله‌نامه، تلکس، تلگرام، یا نظایر آن‌ها بر وجود موافقتنامه مزبور دلالت نماید. یا یکی از طرفین طی مبادله درخواست یا دفاعیه، وجود آن را ادعا کند و طرف دیگر عملاً آن را قبول نماید. ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داوری باشد نیز به‌منزله موافقتنامه مستقل داوری خواهد بود.

ماده ۸- موافقتنامه داوری و دعوای مطروحه نزد دادگاه

دادگاهی که دعوای موضوع موافقتنامه داوری نزد آن اقامه شده است باید در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه دادگاه، دعوای طرفین

را به داوری احاله نماید، مگر اینکه احراز کند که موافقتنامه داوری باطل و ملغی‌الاثرا یا غیر قابل اجرا می‌باشد.

طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رأی داوری نخواهد بود.

ماده ۹- موافقتنامه داوری و قرار تأمین یا دستور موقت هریک از طرفین، قبل یا حین رسیدگی داوری می‌تواند از رئیس دادگاه موضوع ماده (۶) صدور قرار تأمین و یا دستور موقت را درخواست نماید.

فصل سوم: ترکیب هیئت داوری

ماده ۱۰- تعداد داوران

تعیین تعداد داوران بر عهده طرفین اختلاف است. در صورت عدم تعیین، هیئت داوری مرکب از سه عضو خواهد بود.

ماده ۱۱- تعیین داوران

۱- طرف‌های اختلاف می‌توانند با توجه و رعایت مقررات بندهای (۳) و (۴) این ماده در مورد روش تعیین داور توافق نمایند. طرف ایرانی نمی‌تواند مادامی که اختلاف ایجاد نشده است به‌نحوی از انحصار ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داوری یک یا چند نفر مرجوع نماید که آن شخص یا اشخاص دارای همان تابعیتی باشند که طرف یا اطراف وی دارند.

۲- در صورت نبودن چنین توافقی به ترتیب زیر اقدام خواهد شد:

الف- برای تعیین هیئت داوری، هر طرف داور خود را انتخاب می‌کند و داوران منتخب، سرداور را تعیین خواهند کرد. چنانچه یکی از طرفین ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ شروع داوری، داور خود را تعیین و قبولی وی را تحصیل نکند یا اگر داوران منتخب نتوانند ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ انتخاب درمورد سرداور توافق و قبولی وی را تحصیل نمایند، بنا به تقاضای یکی از طرفین حسب مورد تعیین داور طرف ممتنع یا سرداور طبق مقررات ماده (۶) صورت خواهد گرفت. ب- در داوری یک نفره، اگر طرفین نتوانند در مورد انتخاب داور به توافق برسند، داور بنابه تقاضای یکی از طرفین توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعیین

خواهد شد.

۳- هرگاه بر اساس روش تعیین داور که مورد توافق طرفین قرار گرفته است، یکی از طرفین اقدام ننماید یا طرفین و یا داوران منتخب به توافق نرسند و یا اینکه شخص ثالث، اعم از حقیقی یا حقوقی به وظیفه‌ای که در این خصوص به وی محول شده است، عمل ننماید، هر کدام از طرفین می‌تواند برای اتخاذ تصمیم به مرجع موضوع ماده (۶) مراجعه نماید مگر اینکه طریق دیگری مورد توافق طرفین قرار گرفته باشد.

۴- مقام ناصب باید کلیه شرایطی را که طرفین در موافقتنامه برای تعیین «داور» مقرر داشته‌اند رعایت نموده و استقلال و بی‌طرفی «داور» را ملحوظ نماید. در هر صورت سرداور را باید از اتباع کشور ثالث انتخاب نماید و داور طرف منتع از بین اتباع کشور طرف دیگر منصوب نخواهد شد.

۵- هرگاه در موافقتنامه داوری طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف شخص یا اشخاص معینی داوری نمایند و آن شخص و یا اشخاص نخواهند یا نتوانند به‌عنوان داور رسیدگی کنند، موافقتنامه داوری ملغی‌الاثرا خواهد بود مگر آنکه طرفین به داوری شخص یا اشخاص دیگری تراضی کنند یا به‌نحوی دیگر توافق کرده باشند.

۶- در مواردی که داوری بیش از دو طرف داشته باشد و طرف‌ها به‌نحو دیگری توافق ننموده باشند هیئت داوری به ترتیب زیر تعیین خواهد شد:
الف- خواهان یک داور تعیین خواهد کرد و در صورت تعدد، خواهان‌ها مشترکاً یک داور تعیین خواهند کرد. داور خوانده یا خواندگان نیز به همین روش تعیین می‌شود.

چنانچه خواهان‌ها یا خواندگان در مورد داور خود به توافق نرسند داور هر یک از طرفین (خواهان‌ها یا خواندگان) به‌وسیله مرجع موضوع ماده (۶) تعیین خواهد شد.

ب- تعیین سرداور برعهده داوران منتخب است و در صورتی که به توافق نرسند سرداور توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعیین می‌شود.

ج- هرگاه در مورد خواهان یا خوانده بودن یک یا چند طرف داوری، اختلاف

باشد هیئت داوری مرکب از سه نفر به انتخاب مرجع موضوع ماده (۶) خواهد بود.
 د- سایر موارد در داوری‌های چندجانبه از جمله جرح و قصور تابع مقرراتی است که برای داوری‌های دوجانبه مقرر شده است.

ماده ۱۲- موارد جرح داور

۱- «داور» در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی‌طرفی و استقلال او شود، و یا اینکه واجد اوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است، نباشد. هر طرف صرفاً به‌استناد عللی که پس از تعیین «داور» از آن‌ها مطلع شده، می‌تواند داوری را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند.

۲- شخصی که به‌عنوان داور مورد پیشنهاد قرار می‌گیرد، باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی‌طرفی و استقلال او می‌شود، افشا نماید. «داور» باید از موقع انتصاب به‌عنوان «داور» و در طول جریان داوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تأخیر به طرفین اطلاع دهد، مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد.

ماده ۱۳- تشریفات جرح

۱- طرفین می‌توانند در مورد تشریفات جرح «داور» توافق نمایند.
 ۲- در صورت نبودن چنین توافقی، طرفی که قصد جرح «داور» را دارد باید ظرف (۱۵) روز از تاریخ اطلاع از تشکیل «داوری» یا اطلاع از هر گونه اوضاع و احوال مذکور در بند (۱) ماده (۱۳) دلایل جرح را طی لایحه‌ای به «داور» اعلام کند. «داور» در مورد جرح اتخاذ تصمیم می‌کند، مگر اینکه «داور» مورد جرح از سمت خود کناره‌گیری کند و یا طرف مقابل نیز جرح را بپذیرد.
 ۳- جرحی که با رعایت تشریفات بندهای (۱) و (۲) این ماده به عمل آمده است اگر مورد قبول قرار نگیرد، طرفی که «داور» را جرح کرده می‌تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از دریافت اخطاریه حاوی تصمیم مربوط به رد جرح، از مرجع موضوع ماده (۶) درخواست نماید که نسبت به جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. مادام که چنین درخواستی تحت رسیدگی است «داور» می‌تواند جریان داوری را ادامه داده و رأی نیز صادر کند.

ماده ۱۴- قصور و یا عدم امکان انجام وظیفه

۱- اگر یک داور به موجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد و یا بنا به علل دیگری موفق به انجام وظایفش بدون تأخیر موجه نشود، مسئولیت وی خاتمه می‌یابد. چنانچه در تحقق موارد مذکور بین طرفین اختلاف باشد هریک از آنها می‌تواند از مرجع مذکور در ماده (۶) درخواست کند که در مورد ختم مأموریت «داور» مزبور اتخاذ تصمیم نماید.

۲- صرف کناره‌گیری و یا موافقت طرف دیگر یا ختم مأموریت «داور»، به معنای قبول اعتبار و صحت دلایل جرح، قصور، یا عدم قدرت بر انجام وظیفه نخواهد بود.

ماده ۱۵- تعیین داور جانشین

هرگاه مأموریت یک «داور» به موجب مواد (۱۳) یا (۱۴) یا به علت کناره‌گیری، یا به لحاظ توافق طرفین در خصوص لغو مأموریت او و یا به جهات و دلایل دیگری خاتمه پذیرد «داور» جانشین مطابق مقررات حاکم بر تعیین داوری که تغییر یافته است، تعیین می‌شود.

فصل چهارم: صلاحیت «داور»**ماده ۱۶- اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت**

۱- «داور» می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند. شرط داوری که به صورت جزئی از یک قرارداد باشد از نظر اجرای این قانون به عنوان موافقتنامه‌ای مستقل تلقی می‌شود، تصمیم «داور» در خصوص بطلان و ملغی‌الایر بودن قرارداد فی‌نفسه به‌منزله عدم اعتبار شرط داوری مندرج در قرارداد نخواهد بود.

۲- ایراد به صلاحیت «داور» نباید مؤخر از تسلیم لایحه دفاعیه باشد. صرف تعیین «داور» و یا مشارکت در تعیین وی توسط هر یک از طرفین مانع از ایراد صلاحیت نخواهد بود ایراد به خروج «داور» از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داوری باید به محض بروز آن عنوان شود «داور» می‌تواند در هر کدام از موارد مذکور، ایراد خارج از موعد را نیز بپذیرد، مشروط بر آنکه تأخیر را موجه

تشخیص دهد.

۳- در صورت ایراد به اصل صلاحیت و یا به وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری (جز در صورتی که طرفین به‌نحو دیگر توافق کرده باشند) «داور» باید به‌عنوان یک امر مقدماتی، قبل از ورود به ماهیت دعوی نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند، اتخاذ تصمیم در مورد ایراد خروج «داور» از حدود صلاحیت که سبب آن در حین رسیدگی حادث شود ممکن است در ضمن رأی ماهوی به عمل آید. چنانچه «داور» به‌عنوان یک امر مقدماتی به صلاحیت خود نظر بدهد، هر یک از طرفین می‌تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از وصول ابلاغیه آن از دادگاه مندرج در ماده (۶) درخواست کند که نسبت به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. مادام که درخواست مزبور در دادگاه تحت رسیدگی است «داور» می‌تواند به رسیدگی خود ادامه دهد و رأی نیز صادر کند.

ماده ۱۷- اختیار «داور» برای صدور دستور موقت

«داور» می‌تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین دستور موقت صادر نماید، مگر آنکه طرفین به‌نحو دیگری توافق کرده باشند «داور» می‌تواند مقرر نماید که متقاضی تأمین مناسب بسپارد. در هر دو صورت چنانچه طرف دیگر تأمین بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد «داور» از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد.

ماده ۱۸- رفتار مساوی با طرفین

رفتار با طرفین باید به‌نحو مساوی باشد و به هر کدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل داده شود.

ماده ۱۹- تعیین قواعد رسیدگی

۱- طرفین می‌توانند به شرط رعایت مقررات آمره این قانون در مورد آیین رسیدگی داوری توافق نمایند.

۲- در صورت نبودن چنین توافقی «داور» با رعایت مقررات این قانون، داوری را به نحو مقتضی اداره و تصدی می‌نماید. تشخیص ارتباط، موضوعیت و ارزش هرگونه دلیل برعهده «داور» است.

ماده ۲۰- محل داوری

۱- داوری در محل مورد توافق طرفین انجام می‌شود. در صورت عدم توافق، محل داوری با توجه به اوضاع و احوال دعوا، و سهولت دسترسی طرفین، توسط «داور» تعیین می‌شود.

۲- داور می‌تواند برای شور بین اعضا، استماع شهادت شهود و کارشناسان طرفین، یا بازرسی کالا و سایر اموال و یا اسناد و مدارک، در هر محلی که خود مقتضی بداند تشکیل جلسه دهد، مگر طرفین به‌نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۲۱- زبان

طرفین می‌توانند در مورد زبان یا زبان‌های مورد استفاده در رسیدگی داوری توافق نمایند. در غیر این صورت «داور» زبان یا زبان‌های مورد استفاده در داوری را تعیین می‌کند. توافق طرفین یا تصمیم «داور» در این مورد شامل هرگونه لایحه، مدرک و دلیل طرفین، مذاکرات جلسات رسیدگی، مراسلات «داور» و صدور رأی خواهد بود.

فصل پنجم: نحوه رسیدگی داوری**ماده ۲۲- درخواست و دفاعیه**

۱- خواهان باید ظرف مهلتی که طرفین توافق کرده‌اند یا توسط «داور» تعیین شده است، تعهدات یا جهات دیگری که به‌موجب آن خود را مستحق می‌داند، همچنین نکات مورد اختلاف و خواسته یا خسارت مورد درخواست را ارائه کند، و خوانده نیز باید دفاعیه خود در خصوص موارد مذکور را ظرف مهلت مورد توافق یا تعیین‌شده توسط «داور» تسلیم کند. طرفین می‌توانند کلیه مدارکی را که مرتبط تشخیص می‌دهند و یا فهرست مدارک یا سایر ادله‌ای که در نظر دارند بعداً تسلیم کنند همراه با درخواست یا دفاعیه خود تقدیم دارند.

۲- چنانچه بین طرفین ترتیب دیگری مقرر نشده باشد، هر یک از آن‌ها می‌تواند دادخواست یا دفاعیه خود را در طول رسیدگی داوری اصلاح یا تکمیل کند، مگر آنکه «داور» چنین اصلاح یا تکمیلی را به علت تأخیر یا تبعیض نسبت

به طرف دیگر مجاز تشخیص ندهد.

ماده ۲۳- جلسه استماع و رسیدگی

۱- تشخیص لزوم تشکیل جلسه برای ارائه ادله و توضیحات برعهده «داور» است؛ لکن در صورتی که یکی از طرفین در زمان مناسب درخواست تشکیل جلسه نماید، برگزار نمودن جلسه استماع الزامی است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۲- «داور» باید تشکیل هر گونه جلسه استماع و یا جلسه رسیدگی برای بازرسی کالا و یا سایر اموال و یا مدارک طرفین را تا مهلت کافی به طرفین ابلاغ کند.

۳- کلیه لوائح، مدارک یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به «داور» تسلیم شده و همچنین گزارش کارشناسی یا ارزیابی با مدارکی که ممکن است، «داور» هنگام اتخاذ تصمیم به آنها استناد کند، باید برای طرفین ابلاغ شود.

ماده ۲۴- قصور هر کدام از طرفین

۱- چنانچه خواهان بدون عذر موجه در تقدیم درخواست قصور کند، «داور» قرار ابطال درخواست داوری را صادر خواهد کرد.

۲- در صورتی که خوانده بدون عذر موجه در تقدیم دفاعیه قصور کند «داور» رسیدگی را ادامه خواهد داد، بدون اینکه کوتاهی مزبور فی نفسه به معنای قبول ادعای خواهان توسط خوانده تلقی شود.

۳- اگر هر یک از طرفین از حضور در جلسه استماع و یا ارائه ادله مورد استناد خویش خودداری کند «داور» می‌تواند رسیدگی را ادامه دهد و بر اساس مدارک موجود به صدور رأی مبادرت کند.

ماده ۲۵- ارجاع امر به کارشناس

«داور» می‌تواند در مواردی که لازم بداند موضوع را به کارشناسی ارجاع و مقرر کند که هر کدام از طرفین هرگونه اطلاعات مرتبط را در اختیار کارشناس قرار دهد و موجبات دسترسی وی را به مدارک مربوط، کالا، یا سایر اموال برای انجام بازبینی فراهم آورد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. در صورت درخواست یکی از طرفین و یا در صورتی که «داور» لازم بداند

کارشناس باید پس از تقدیم گزارش کتبی، در جلسه استماع نیز شرکت کند و به سؤالات پاسخ بگوید، طرفین نیز می‌توانند به منظور ادای شهادت در خصوص نکات مورد اختلاف، کارشناس یا کارشناسانی را به‌عنوان شاهد خود معرفی کنند.

ماده ۲۶- ورود شخص ثالث

هرگاه شخص ثالثی در موضوع داوری برای خود مستقلاً حقی قایل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است وارد داوری شود، مشروط بر اینکه موافقتنامه و آیین داوری و «داور» را بپذیرد و ورود وی مورد ایراد هیچ کدام از طرفین واقع نشود.

فصل نهم: ختم رسیدگی و صدور رای

ماده ۲۷- قانون حاکم

۱- «داور» برحسب قواعد حقوقی که طرفین در مورد ماهیت اختلاف برگزیده‌اند، اتخاذ تصمیم خواهد کرد. تعیین قانون یا سیستم حقوقی یک کشور مشخص، به هر نحو که صورت گیرد، به‌عنوان ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور تلقی خواهد شد. قواعد حل تعارض مشمول این حکم نخواهد بود، مگر اینکه طرفین به‌نحو دیگری توافق کرده باشند.

۲- در صورت عدم تعیین قانون حاکم از جانب طرفین «داور» بر اساس قانونی به ماهیت اختلاف رسیدگی خواهد کرد که به موجب قواعد حل تعارض مناسب تشخیص دهد.

۳- «داور» در صورتی که طرفین صریحاً اجازه داده باشند، می‌تواند براساس عدل و انصاف یا به صورت کدخدامنشانه تصمیم بگیرد.

۴- «داور» باید در کلیه موارد بر اساس شرایط قرارداد اتخاذ تصمیم کند، و عرف بازرگانی موضوع مربوط را موردنظر قرار دهد

ماده ۲۸- سازش

چنانچه طرفین در جریان رسیدگی، اختلافات خود را از طریق سازش حل کنند، «داور» قرار سقوط دعوای داوری را صادر می‌کند و چنانچه یکی از طرفین

تقاضا کند و طرف مقابل اعتراض نکند، موافقتنامه سازش را به صورت رأی داوری براساس شرایط مرضی‌الطرفین با رعایت مفاد ماده (۳۰) صادر می‌کند.

ماده ۲۹- اخذ تصمیم توسط گروه داوران

در داوری‌هایی که توسط بیش از یک داور صورت می‌گیرد، هر تصمیم هیئت داوری باید با اکثریت اعضای هیئت داوری اتخاذ شود، مگر اینکه طرفین به‌نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۳۰- شکل و محتوای رأی

۱- رأی باید به صورت کتبی باشد و به امضای داور یا داوران برسد. در موردی که داور بیش از یک نفر باشد، امضای اکثریت کافی خواهد بود، مشروط بر اینکه علت عدم امضای دیگر اعضا ذکر شود.

۲- کلیه دلایلی که رأی بر آن‌ها مبتنی است، باید در متن رأی آورده شود، مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند که دلایل رأی ذکر نشود، یا رأی براساس شرایط مرضی‌الطرفین به موجب ماده (۲۸) صادر شده باشد.

۳- رأی باید حاوی تاریخ و محل داوری موضوع بند (۱) ماده (۲۰) باشد.

۴- پس از امضای رأی، رونوشت آن باید به هریک از طرفین ابلاغ شود.

ماده ۳۱- ختم رسیدگی

رسیدگی داوری با صدور رأی نهایی یا به‌موجب دستور «داور» در موارد زیر خاتمه می‌یابد:

۱- استرداد دعوا توسط خواهان مگر اینکه خوانده بدان اعتراض نماید و «داور» برای وی منافع قانونی و موجهی در حل‌وفصل نهایی اختلاف احراز نماید.

۲- عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی به دلیل دیگر به تشخیص «داور».

۳- توافق طرفین در ختم رسیدگی

ماده ۳۲- اصلاح، تفسیر رأی و رأی تکمیلی

۱- «داور» می‌تواند بنا به تقاضای هر یک از طرفین یا راسا هرگونه اشتباه در محاسبه، نگارش و یا اشتباهات مشابه در رأی را اصلاح و یا از آن رفع ابهام کند. مهلت تقاضای طرفین سی (۳۰) روز از تاریخ ابلاغ رأی می‌باشد، و باید

نسخه‌ای از تقاضای مزبور برای طرف دیگر ارسال شود. «داور» حداکثر ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ وصول تقاضا و در مواردی که راساً متوجه اشتباه یا ابهام شده باشد، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ صدور رأی، نسبت به اصلاح یا تفسیر آن اقدام خواهد کرد.

۲- هر کدام از طرفین می‌تواند ضمن ارسال اخطاریه برای طرف دیگر، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ دریافت رأی، از «داور» تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که اقامه کرده، ولی در رأی مسکوت مانده است رأی تکمیلی صادر کند. «داور» چنانچه این درخواست را موجه تشخیص دهد، ظرف شصت (۶۰) روز نسبت به صدور رأی تکمیلی اقدام می‌کند. «داور» می‌تواند در صورت لزوم مهلت مزبور را تمدید کند.

۳- مقررات ماده (۳۰) در مورد اصلاح، تفسیر و رأی تکمیلی لازم‌الرعایه است.

فصل هفتم: اعتراض به رأی

ماده ۳۳- درخواست ابطال رأی

۱- رأی دآوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده (۶) قابل ابطال است:

الف- یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد.

ب- موافقتنامه دآوری به موجب قانونی که طرفین بر آن موافقتنامه حاکم دانسته‌اند معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد.

ج- مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اخطاریه‌های تعیین داور یا درخواست دآوری رعایت نشده باشد.

د- درخواست‌کننده ابطال، به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارائه دلایل و مدارک خود نشده باشد.

ه- «داور» خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد. چنانچه موضوعات مرجوعه به دآوری قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات «داور» بوده، قابل ابطال است.

و- ترکیب هیئت داوری یا آیین دادرسی مطابق موافقتنامه داوری نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود موافقتنامه داوری، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد.

ز- رأی داوری مشتمل بر نظر موافق و موثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (۶) پذیرفته شده است.

ح- رأی داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد.

ط- پس از صدور رأی داوری مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت معترض بوده و ثابت شود که آن مدارک را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آن‌ها شده است.

۲- در خصوص موارد مندرج در بندهای (ح) و (ط) این ماده، طرفی که از سند مجعول یا مکتوم متضرر شده است، می‌تواند پیش از آنکه درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورد، از «داور» تقاضای رسیدگی مجدد نماید، مگر در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۳- درخواست ابطال رأی موضوع بند (۱) این ماده ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی داوری اعم از رأی تصحیحی، تکمیلی یا تفسیری به معترض، باید به دادگاه موضوع ماده (۶) تقدیم شود، و الا مسموع نخواهد بود.

ماده ۳۴- بطلان رأی

در موارد زیر رأی «داور» اساساً باطل و غیرقابل اجراست:

۱- در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد.

۲- در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد.

۳- رأی داوری صادره در خصوص اموال غیرمنقول واقع در ایران با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد رسمی معتبر معارض باشد، مگر آنکه در مورد اخیر «داور» حق سازش داشته باشد.

فصل هشتم: اجرای رای

ماده ۳۵- اجرا

۱- به استثنای موارد مندرج در مواد (۳۳) و (۳۴) آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم‌الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده (۶) ترتیبات اجرای احکام دادگاه‌ها به مورد اجرا گذاشته می‌شوند.

۲- در صورتی که یکی از طرفین از دادگاه موضوع ماده (۶) این قانون درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورده باشد و طرف دیگر تقاضای شناسایی یا اجرای آن را کرده باشد، دادگاه می‌تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رای، مقرر دارد که درخواست کننده ابطال تأمین مناسب بسپارد.

فصل نهم: سایر مقررات

ماده ۳۶- سایر مقررات

۱- داوری اختلاف تجاری بین‌المللی موضوع این قانون از شمول قواعد داوری مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین و مقررات مستثنی است.

۲- این قانون نسبت به سایر قوانین جمهوری اسلامی ایران که به موجب آن‌ها اختلافات خاصی را نمی‌توان به داوری ارجاع کرد، تأثیری نخواهد داشت.

۳- در صورتی که در معاهدات و توافقات فی مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر دول ترتیبات و شرایط دیگری برای داوری‌های موضوع این قانون مقرر شده باشد، همان ترتیبات و شرایط متبع خواهد بود.

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام مصوب ۱۹۵۸ م نیویورک

ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود با لحاظ شرایط زیر به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خاص تنظیم‌شده در نیویورک به تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۳۷/۴/۳ هجری شمسی) مشتمل بر شانزده ماده ملحق شود و اسناد الحاق را به امین مربوط تسلیم نماید:

۱- جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون را منحصراً در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی قراردادی یا غیر قراردادی که حسب قوانین جمهوری اسلامی ایران تجاری محسوب می‌شوند، اعمال خواهد کرد.

۲- جمهوری اسلامی ایران فقط کنوانسیون را بر اساس رابطه متقابل، اعمال و احکامی را شناسایی و اجرا خواهد کرد که در قلمرو یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون صادر شده باشد.

تبصره- رعایت اصل یکصد و سی‌ونهم (۱۳۹) قانون اساسی در خصوص ارجاع به داوری الزامی است.

ماده ۱-۱- این کنوانسیون در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری صادره در قلمرو دولتی غیر از دولتی که از آن تقاضای شناسایی و اجرای احکام مزبور شده است و ناشی از اختلافات بین اشخاص اعم از حقوقی یا حقیقی می‌باشد، اعمال خواهد شد این کنوانسیون در مورد احکام داوری که در دولتی که از آن تقاضای شناسایی و اجرای آن‌ها شده است، احکام داخلی محسوب نمی‌شود نیز اعمال خواهد شد.

۲- اصطلاح «احکام داوری» نه تنها شامل احکام داوران منصوب برای هر پرونده می‌باشد؛ بلکه شامل احکام صادره از ارکان دائمی داوری که طرف‌ها به آن‌ها رجوع کرده‌اند نیز می‌گردد.

۳- هر دولتی که در زمان امضاء، تصویب یا الحاق به این کنوانسیون یا اعلام تسری به موجب ماده (۱۰) آن بر اساس عمل متقابل می‌تواند اعلام دارد که این کنوانسیون را در مورد شناسایی و اجرای احکامی که تنها در قلمرو دولت متعاقد دیگر صادر شده است اعمال خواهد کرد همچنین می‌تواند اعلام دارد که کنوانسیون را فقط در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی اعم از اینکه

قراردادی باشد یا نباشد و به موجب قوانین داخلی دولت اعلام کننده، تجاری تلقی شده باشد، اعمال خواهد کرد.

ماده ۲-۱- هر دولت متعهد موافقتنامه‌ای کتبی را که به موجب آن طرف‌ها متعهد می‌شوند که کلیه اختلافات یا هر اختلاف موجود یا محتمل الوقوع بین خود را که مربوط به رابطه حقوقی مشخص اعم از اینکه قراردادی باشد یا نباشد و مربوط به موضوعی باشد که از طریق داوری قابل حل و فصل باشد، به داوری ارجاع کنند، شناسائی خواهد کرد.

۲- اصطلاح «موافقتنامه کتبی» شامل شرط داوری در قرارداد با موافقتنامه داوری امضاء شده توسط طرف‌ها یا گنجانده شده در نامه‌های مبادله شده با تلگراف‌های مخابره شده خواهد بود.

دادگاه یک دولت متعهد در هنگام رسیدگی به دعوائی درباره موضوعی که طرف‌ها در مورد آن موافقتنامه‌ای را در مفهوم این ماده منعقد کرده باشند، بنا به تقاضای یکی از طرف‌ها، آن‌ها را به داوری ارجاع خواهد داد؛ مگر اینکه رأی دهد که آن موافقتنامه باطل و کان لم یکن، بی اعتبار یا غیر قابل اجراست.

ماده ۳- هر دولت متعهد احکام داوری را طبق آیین دادرسی سرزمینی که حکم به آن مستند است و تحت شرایط مندرج در مواد زیر به عنوان لازم‌الاتباع شناسایی و آن‌ها را اجرا خواهد نمود. برای شناسایی یا اجرای احکام داوری که در مورد آن‌ها این کنوانسیون اعمال می‌گردد اساساً شرایط سنگین‌تر یا حق الزحمه یا هزینه‌های بیشتری نسبت به آنچه که برای شناسایی یا اجرای احکام داوری داخلی وضع شده، وضع نخواهد شد.

ماده ۴-۱- برای تحقق شناسائی و اجرای موارد مندرج در ماده پیشین، طرف متقاضی شناسائی و اجراء در هنگام تقاضا مدارک زیر را تهیه خواهد کرد:
الف- نسخه اصلی مصدق یا رونوشت مصدق حکم.

ب- موافقتنامه اصلی موضوع ماده (۲۱) یا رونوشت مصدق آن.

۲- اگر حکم یا موافقتنامه یاد شده به زبان رسمی کشوری که حکم به آن مستند است تنظیم نشده باشد، طرف متقاضی شناسائی و اجرای حکم باید ترجمه این اسناد را به آن زبان تهیه کند. ترجمه باید توسط مترجم رسمی یا قسم خورده یا نماینده سیاسی یا کنسولی تأیید شود.

ماده ۵-۱- مرجع صالحی که تقاضای شناسایی و اجرای حکم از آن شده

می‌تواند بنا به درخواست طرفی که علیه وی به حکم استناد شده و تنها در صورتی که طرف یادشده دلایل زیر را برای آن تهیه کند، از شناسایی و اجرای حکم امتناع ورزد:

الف- طرف‌های موافقتنامه موضوع ماده (۲) به موجب قانون حاکم در مورد آن‌ها در مواردی از عدم اهلیت برخوردار بوده یا موافقتنامه مزبور به موجب قانونی که طرف‌ها مشمول آن شده اند معتبر نباشد یا به موجب قانون کشور محل صدور حکم فاقد هر گونه قرینه‌ای در آنجا باشد؛ یا

ب- اخطار صحیح به طرفی که علیه وی به حکم استناد شده در مورد انتصاب داور یا جریان رسیدگی داوری داده نشده یا قادر نبوده است به گونه دیگری مورد خود را مطرح کند؛ یا

پ- حکم در خصوص اختلافی است که شرایط ارجاع به داوری در مورد آن منظور نگردیده یا شامل آن نمی‌گردد، یا متضمن تصمیم در مورد مسائلی فراتر از حیطه شمول ارجاع به داوری است، مشروط بر آنکه چنانچه تصمیمات در مورد مسائل ارجاع شده به داوری قابل تفکیک از مسائل باشد که بدین گونه ارجاع نشده، آن بخش از حکم که متضمن تصمیماتی در مورد مسائل ارجاع شده به داوری است، قابل شناسائی و اجراء باشد؛ یا

ت- ترکیب مرجع داوری یا تشریفات داوری طبق توافق طرف‌ها نبوده یا در صورت فقدان چنین توافقی، طبق قانون کشوری که داوری در آن انجام شده، نباشد؛ یا

ث- حکم هنوز برای طرف‌ها لازم‌الرعايه نشده یا توسط مرجع صالح یا به موجب قانون کشوری که حکم در آن صادر شده نقض شده یا به حالت تعلیق درآمده باشد.

۲- در صورتی ممکن است از شناسائی و اجرای حکم داوری نیز امتناع به عمل آید که مرجع صالح کشوری که شناسائی و اجرای حکم از آن درخواست شده احراز کند:

الف- موضوع اختلاف به موجب قانون آن کشور از طریق داوری قابل حل و فصل می‌باشد؛ یا

ب- شناسائی یا اجرای حکم با نظم عمومی آن کشور مغایرت دارد.

ماده ۶- اگر نقض یا تعلیق حکم از مرجع صالح موضوع جزء (ث) بند (۱)

ماده (۵) درخواست شده باشد، مرجعی که از وی درخواست شده به حکم استناد کند، چنانچه آن را صحیح تلقی کند می‌تواند تصمیم راجع به اجرای حکم را به تعویق بیاندازد و همچنین می‌تواند بنابه درخواست طرفی که تقاضای اجرای حکم داوری را کرده است طرف دیگر را مکلف کند تا تأمین مناسبی بسپارد.

ماده ۷-۱- مفاد این کنوانسیون تأثیری بر اعتبار موافقتنامه‌های دوجانبه یا چندجانبه مربوط به شناسائی و اجرای احکام داوری که دولت‌های متعاقد منعقد کرده‌اند نداشته و طرف ذینفع را از هر گونه حقی که ممکن است برای بهره مند ساختن خود از حکم داوری به شیوه و تا حدود مجاز شده به وسیله قانون یا معاهدات کشوری که از آن درخواست شده به حکم مزبور استناد نماید، داشته باشد محروم نخواهد ساخت.

۲- پروتکل ژنو در خصوص شرایط داوری مورخ ۱۹۲۳ میلادی (۱۳۰۲ هجری شمسی) و کنوانسیون ژنو در خصوص اجرای احکام داوری خارجی مورخ ۱۹۲۷ میلادی (۱۳۰۶ هجری شمسی) در میان دولت‌های متعاقد با متعهد شدن آن‌ها به این کنوانسیون و تا حدودی که به وسیله این کنوانسیون متعهد شده‌اند اعتبار اجرائی خود را از دست خواهد داد.

ماده ۸-۱- این کنوانسیون تا ۳۱ دسامبر ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۳۷/۱۰/۱۰ هجری شمسی) برای امضاء از طرف هر عضو سازمان ملل متحد نیز هر دولت دیگری که عضو هر سازمان تخصصی سازمان ملل متحد است یا از این پس عضو خواهد شد یا عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است یا از این پس دعوت به عمل آورده مفتوح خواهد شد.

۲- این کنوانسیون به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

ماده ۹-۱- این کنوانسین برای الحاق کلیه دولت‌های موضوع ماده (۸) مفتوح خواهد ماند.

۲- الحاق از طریق سپردن سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد اعتبار خواهد یافت.

ماده ۱۰-۱- هر دولتی هنگام امضاء تصویب یا الحاق می‌تواند اعلام دارد که این کنوانسیون به کلیه یا هر یک از سرزمین‌هائی که آن دولت مسئول روابط